

متغیر نظام بین الملل و سیاست گذاری امنیتی و نظامی پهلوی دوم

۲۶ مهر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳:۲۶

مجموعه‌ای از عوامل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به‌صورت مکمل و زنجیروار، در توسعه سازمان نظامی ایران و همچنین اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی و افزایش روحیه ماجراجویانه در سیاست خارجی سلطنت پهلوی دوم تاثیر داشته است. این وضعیت در سطح بین‌المللی از استراتژیهای کلان قدرتهای بزرگ در منطقه خاورمیانه و زیرسیستم خلیج فارس نشات می‌گرفت.

جوان و تاریخ- مقالات

مقدمه

در بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی دو دهه پایانی سلطنت محمدرضا پهلوی، همه تحلیلگران و تاریخ نگاران بر روی متغیر توسعه ناگهانی سازمان نظامی ایران در حوزههای ساختاری، سازمانی و همچنین افزایش بیسابقه قراردادهای خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی اتفاق نظر دارند. احتیاط علمی ایجاب می‌نماید که در بررسی عوامل و متغیرهای موثر بر این موضوع، به عوامل و متغیرهای دو سطح داخلی و خارجی اشاره نماییم. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از عوامل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به‌صورت مکمل و زنجیروار، در توسعه سازمان نظامی ایران و همچنین اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی و افزایش روحیه ماجراجویانه در سیاست خارجی سلطنت پهلوی دوم تاثیر داشته است.^[۱] این وضعیت در سطح بین‌المللی از استراتژیهای کلان قدرتهای بزرگ در منطقه خاورمیانه و زیرسیستم خلیج فارس نشات می‌گرفت. مهم‌ترین پیامد استراتژی شرق سوئز انگلستان و تصمیم خروج این کشور از منطقه راهبردی خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱، ایجاد خلأ قدرت در خلیج فارس بود. در واقع در فضای قطب بندی حاکم بر جنگ سرد و نزاع ایدئولوژیک بین دو ابرقدرت شرق و غرب، بدون شک جای خالی انگلستان - به عنوان متحد امریکا - می‌توانست فضای امنیتی و ژئوپلیتیکی مناسبی برای رقیب امریکا یعنی اتحاد جماهیر شوروی در این منطقه راهبردی باز نماید. از اینرو ایران به عنوان باثبات‌ترین کشور و متحد منطقه‌ای امریکا، مأموریت حفاظت از منافع امریکا در خلیج فارس را بر عهده گرفت و لذا ما شاهد توسعه جنون‌وار سازمان نظامی ارتش شاهنشاهی ایران در دهه آخر حکومت پهلوی دوم هستیم.

خروج انگلیس از خلیج فارس و خلأ ژئوپلیتیکی قدرت

در سال ۱۹۶۸ میلادی، نخست وزیر انگلستان «هارولد ویلسون»^[۲] با اتخاذ راهبرد شرق سوئز در مجلس عوام این کشور اعلام نمود که به دلایل مختلف اقتصادی و سیاسی، از جمله گسترش جنبشهای استعماری، مشکلات اقتصادی در مدیریت امور مستعمرات و ... می بایست از سرزمینهای شرق کانال سوئز از جمله خلیج فارس عقب نشینی نماید.^[۳] با توجه به مواجهه عمیق آمریکا و شوروی در حوزه های مختلف ژئوپلیتیکی در دوران جنگ سرد، نگرانی عمیقی در بین استراتژیستهای امریکایی از خلاء قدرت پیش آمده در منطقه استراتژیک خلیج فارس ایجاد شد و آمریکا را بر آن داشت تا جهت کنترل و محدودسازی نفوذ شوروی در خلیج فارس و جلوگیری از گسترش جنبشهای کمونیستی در این منطقه، راهبرد استفاده از ظرفیتهای و پتانسیلهای قدرتها و دولت‌های متحد خود در منطقه را در دستور کار سیاست امنیتی خود قرار دهد. البته در یک راهبرد کلان امریکایی ها اعتقاد داشتند که به دلیل ضعفهای ساختاری و اقتصادی دولت‌های این منطقه همواره می بایست یک ابرقدرت در منطقه به عنوان قدرت هژمون، مسئول تنظیم مناسبات سیاسی، امنیتی و نظامی منطقه را برعهده داشته باشد.^[۴] البته طبق اظهار نظر مقامات امریکایی و با توجه به تجربه ای که از حضور نظامی خود در ویتنام جهت مقابله با حکومت‌های کمونیستی داشتند؛ آمریکا هیچ تمایلی برای حضور مستقیم در منطقه خلیج فارس نداشت و با افزایش توانمندیهای نظامی و امنیتی متحدان خود در منطقه، سعی در محدودسازی کمونیسم داشت.^[۵] هنری کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا در این ارتباط اظهار داشته بود که «آمریکا هیچ گاه اشتباهات گذشته درباره ی مسئله‌ی ویتنام و اعزام نیم میلیون سرباز را دیگر تکرار نخواهد کرد».^[۶]

جنگ نیابتی آمریکا در خلیج فارس

همزمان با روی کار آمدن ریچارد نیکسون در آمریکا در سال ۱۹۶۸ و طرح دکترین دو ستونی، زمینه های لازم برای تقویت بنیه نظامی ایران فراهم آمد. طبق این دکترین، ایران به عنوان ستون نظامی و امنیتی منطقه و عربستان به عنوان ستون اقتصادی این دکترین، عهده دار نقش نیابتی خود در حفاظت از منافع غرب و آمریکا در منطقه خلیج فارس شدند.^[۷] و جالب اینکه این سیاست آمریکا با ذوق زاید الوصف مقامات ایران و به ویژه شخص محمدرضا پهلوی مواجه شد. شاه اعتقاد داشت سرنوشت ایران این گونه رقم خورده است که آمریکا وزن و نقش منطقه ای ایران را بپذیرد و نقش ژاندارمی را به ایران محول نماید.^[۸] از اینرو بدیهی بود که در راستای ایفای این نقش، نوسازی سازمان و ساختار ارتش ایران در اولویت اساسی قرار می گرفت و به جنگ افزارهای پیشرفته ای جهت مقابله با تهدیدات امنیتی مجهز می شد. البته توهمات شخصی محمدرضا پهلوی نیز به این وضعیت دامن می زد؛ به اعتقاد شاه ایران، خلیج فارس دیگر کانونی برای بازیهای سیاسی و امنیتی قدرتهای بزرگ نیست و بالطبع ایران باید خلا قدرت موجود پس از خروج انگلستان از خلیج فارس را پر نماید.^[۹] از نظر شاه این قابلیت با خریدهای سرسام‌آور تجهیزات نظامی متعارف توسط ایران محقق خواهد شد؛ وی در این مسیر حتی به خریدهای بی‌بهره تجهیزات نظامی توجهی نمی کرد و در پاسخ سوال هویدا، نخست وزیر وقت، مبنی بر پوشیدن بسیاری از تجهیزات در انبارهای ارتش ایران، ضمن اشاره به سرعت روند تسلیح و خریدهای نظامی ایران، می گوید: «چاره نداریم. سعی کنید درباره استفاده از آنها چیز یاد بگیرید».^[۱۰]

محمد رضا پهلوی در راستای استراتژی مهار کمونیسم معتقد بود که ارتش ایران با ارتقای ظرفیتهای نظامی و تسلیحاتی خود تنها قدرتی است در منطقه که توانایی ایجاد بازدارندگی در مقابل کمونیسم را دارد.^[۱۱] دقیقاً به خاطر همین نقش نیابتی ایران بود که ایران با تمامی کشورهای تحت نفوذ شوروی در منطقه خاورمیانه مشکلی جدی داشت و در راس آنها مصر به رهبری جمال عبدالناصر رقیب اصلی محمد رضا پهلوی قرار داشت. کشورهای لیبی و جمهوری دمکراتیک یمنی جنوبی نیز از جمله کشورهای بودند که به عنوان تهدید کننده منافع امنیتی ایران معرفی شده بودند.^[۱۲] همین رقابتهای امنیتی ایران را در یک مسابقه تسلیحاتی ناتمامی وارد نموده بود. اظهارات وزیر امور خارجه ایران عباسعلی خلعتبری در مصاحبه با روزنامه‌ی واشنگتن پست در سال ۱۹۷۳ میلادی در توجیه این مسابقه تسلیحاتی اظهار داشت: «ایران با بی میلی وارد مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس شده است و آن هم به علت سرعت یافتن و افزایش زیاد سلاحهایی است که شوروی به عراق تحویل می‌دهد.»^[۱۳] اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا نیز در مصاحبه‌ای با کارشناسان نظامی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ با اشاره به رقابت تسلیحاتی در منطقه‌ی خاورمیانه، اعلام کرد «که ایران راهی جز نیرومندی ندارد.»^[۱۴] البته ناگفته نماند که افزایش شدید درآمدهای نفتی ایران در دهه پایانی حکومت خود، به روند تبدیل شدن ایران به زرادخانه تسلیحات امریکایی دامن زد و توانمندی اقتصادی ایران در نتیجه‌ی فروش نفت که -حتی عنوان رهبر جهان چهارم یا کشورهای ثروتمند صادرکننده نفت را برای آن به ارمغان آورد-^[۱۵] موجب شد که هزینه‌های نظامی از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ بیش از ۶۰۰ برابر افزایش یافت و متعاقب آن واردات تسلیحات نظامی از آمریکا نیز ۱۰ برابر شد.^[۱۶]

در مجموع به عنوان یک ارزیابی کلی باید گفت که با توجه به وابستگی تمام عیار حکومت پهلوی به ویژه در حوزه های سیاست خارجی و امنیتی به متحد خود یعنی ایالات متحده آمریکا، دولت ایران در راستای تکمیل پازل‌های بازی آمریکا در خلیج فارس، با ایفای گری نقش ژاندارمی منطقه علاوه بر برگشت دلارهای نفتی آمریکا، به زرادخانه و پایگاه نظامی آمریکا در منطقه تبدیل شد تا با تحکیم پایه های نفوذ آمریکا در ایران، زمینه طراحی و عملیاتی نمودن سایر طرحهای استعماری آمریکا در منطقه خلیج فارس مهیا شود.

پی نوشتها:

[۱] محمد جعفر چمنکار، «علل توسعه ی سازمان نظامی دولت پهلوی دوم»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی، زمستان ۱۳۸۹،

[۳] نویل براون ، «تاریخ جهان در قرن بیستم»، مرتضی کاظمی یزدی، تهران، پازنگ، ۱۳۷۵، ص ۲۲۶

[۴] ک. پ. میرزا ، «سیاست‌های بین‌المللی در اقیانوس هند»، فاطمه قدیمی پور، تهران، دانشگاه تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۵۵ ، ص ۹.

[۵] «آمریکا در دفاع خلیج فارس درگیر نمی‌شود»، آیندگان، ۱۸/۳/۱۵۳۱، ص ۱

[۶] آندره فونتن ، «یک بستر و دو رؤیا، تاریخ تنش‌زدایی»، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶، ص ۱۹۷

[۷] ریچارد نیکسون ، «فرصت را دریابیم، وظیفه آمریکا در جهانی با یک قدرت»، حسین وصی‌نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۶۴

[۸] سخنرانی محمدرضا پهلوی در مراسم دانشکده ی ستاد ارتش، ۱۳۴۵، ش ۷، ص ۵.

[۹] مصاحبه محمدرضا پهلوی در تاریخ ۳۰/۱۳۴۷/۱۰

[۱۰] مشروح محاکمه و متن مدافعات هویدا، اطلاعات، ۱۹/۱/۱۳۴۵، ص ۸.

[۱۱] محمدرضا پهلوی ، «پاسخ به تاریخ»، حسین ابوترابیان، تهران، ناشر مترجم کتاب، بی تا، ص ۲۷۰

[۱۲] محمد جعفر چمنکار، پیشین، ص ۳۲

[۱۳] مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۱/۴۴۸-۹۰۵-۵۴۱، اداره کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی.

[۱۴] اردشیر زاهدی، «راهی جز نیرومند بودن نداریم»، رستاخیز، ۲۹/۲/۱۳۵۷، ص ۲.

[۱۵] «ایران قدرت جهانی»، مجله مسائل جهان، ۱۳۵۳، س ۲، ش ۱، ص ۲۹

[۱۶] مارک جی گازیوروسکی، «سیاست خارجی آمریکا و شاه؛ بنای دولتی دست نشانده در ایران»، ترجمه فریدون فاطمی،

تهران، ۱۳۷۶، صص ۵۰-۵۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۱۶۴/دوم-چهلوی-نظامی-امنیتی-گذار-سیاست-الملل-بین-نظام-متغیر>